حکایت هزارتوی مهاجران میهن

به انگیزه انتشار کتاب «تجربه‌ای ایرانی-امریکایی» نوشته دکتر سعید قهرمانی

ابراهیم امین‌زاده
روزنامه‌نگار

میلیون‌ها ایرانی که بنا به اقتضای شرایط از ایـران رفته‌انـد و خارج از ایـران زندگی می‌کننـد، خود را ایرانی می‌دانند و وابسـته به دامان سـرزمینی که ناگزیر، گذاشـته‌اند ورفته‌انـد. اینان، حتی اگرچه، سال‌هاسـت ازایـران دورهسـتند و شـاید دیگر(بـه هر دلیل) به ایـران برنگردند، براسـاس همین قانـون اساسـی امـروز ایـران و به‌اسـتناد گذرنامه ایرانی‌شـان، این زمـان و هرزمان، تا ابد ایرانی هسـتند. چه ما و هرکس دیگر بپسـندیم یا نپسندیم. چه ما قبول بکنیم یا قبول نکنیم.

سـؤال اساسـی وریشـه‌ای ایـن اسـت کـه، آیـا مهاجـرت ازوطـن درشـرایط گوناگون(هرشرایطی) درست وقانونی است؟ اخلاقی اسـت؟ یا غیر قانونی و نادرسـت و غیر اخلاقی‌اسـت که موجـب این همه قیل و قال و قال و مقال می‌شـود؟قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد منع قانونی یا مجاز بـودن مهاجرت، اظهـار نظر نکرده اسـت. درجایی کـه قانون محوری کشـور، مهاجـرت را غیرقانونی نمی‌دانـد، این همه هیاهو برای چیسـت؟ آن‌ها کـه به‌اقتضای شـرایط، از ایران رفته‌اند و آن‌ها که انگشت انتقاد به سوی آن‌ها گرفته‌اند، نمی‌دانند، که آن‌ها برخواهند گشـت یانه، براسـاس کدام معیارها، تازیانه شـماتت و بدگویی بر آن‌ها فرود می‌آورند.

امروزه درسراسـر جهان، از پنج قاره کره زمین، گوشـه‌ای را نمی‌یابید کـه نام ایران فرهنگ ایران شـنیده نشـود. شـب یلدا و چهارشنبه سوری و جشن سده وعید نوروز، جشـن گرفته نشود ومردم (حتی بومیان آن سـرزمین هـا) ازکناراین آداب ورسـوم، بی تفاوت بگذرند.

درایالت کالیفرنیای امریکا، ایرانیان بیشتر از دیگرنقاط ایالات متحده امریکا سـکونت دارنـد. در خیابان‌هـای سانفرانسیسـکو و لس‌آنجلس، زبان فارسی، بیشتر از زبان‌های دیگر شنیده می‌شود. درمخازن کتابخانه‌های دانشـگاهی امریکا(بویژه درفلسـفه، ادبیات، تاریخ تمدن و به طورکلی درعلوم انسانی)بیش از کتاب‌های سایر ملل، کتاب‌های قدیم ایران را می‌یابیـد. به طوری که اکثرقریب به اتفاق کسـانی که در این مـوارد تحقیق می‌کنند، به کتابخانه‌های مرجع دانشـگاه‌های امریکا و مخصوصاً کالیفرنیـا مراجعه می‌کنند. این دسـتاورد و برتری فرهنگی، نتیجه مهاجرت انبوهی ازایرانیان، قبل وبعدازانقلاب، به اقصی نقاط جهان، بویژه به امریکاست.

درکالیفرنیا، تعطیلات نـوروزی ایرانیان، مستقیماً دربرنامه‌های اداری و تجاری ایالت اثر می‌گذارد. زیرا، عده کثیـری از ایرانیان سـرکار نمی‌روند و نبودن آن‌ها در سـرکار، موجب به هـم خوردگی برنامه‌های هر روزه می‌شـود. از این روی است که در این ایالت، نوروز تعطیل رسمی اعلام می‌شود.

در هرکجای جهان که پای ایرانی رسیده باشـد، دیوان حافظ را می‌بینید. سفره هفت سین گسترده می‌شود.

درهرکجـای جهان کـه پـای ایرانیان رسـیده اسـت وایرانیان زندگـی می‌کنند، مغازه‌هـای پررونق ایرانی هارا اعم از قنادی و نانوایی یا چلـو کبابی وکله پاچه پزی و... را می‌بینید وهرچه خواستید ازخوردنی‌ها و پوشـیدنی‌ها یا دیگرچیزهای سنتی ایران، درآن‌هـا می‌یابیـد. حتی چیزهایـی راکه امروزه به دلیل هجوم چینی‌ها به بازارایران ازیک سو وشیوع فراورده‌های غربی ازسوی دیگر، در ایران پیدا نمی‌کنید.

اگـر تحصیلکرده‌هـای ایـران رفتند تا بیشـتربیاموزند وجوانـان ایـران رفتند تا سری درمیان سرها دربیاورند، که درآوردند ودربسـیاری ازموادعلمـی (مخصوصـاً درامورفنون الکترونیک و فناوری اطلاعات وعلـوم فضایـی و نیزدرداندش پزشـکی) به‌اسـتناد مقـالات و مـدارک دانشـگاهی خودامریکایی ها، سـرآمد جهان شـدند، به برکت همین مهاجرت‌هاست.

نکوهش مهاجـرت ومهاجران، کمابیش، قبـل ازانقلاب هـم بود کـه ازآن با عبارت فرارمغزها یادمی شد. از بعد از انقلاب تا حال هم همین نگاه نسبت به مهاجرت (مخصوصاً مهاجـرت تحصیلکرده‌هـا و جوانانی که به اشتیاق پیشرفت علمی، جذب دانشگاه‌های جهـان بویژه اروپا وامریکا می‌شـوند)وجود دارد. همیـن نـگاه نکوهـش بارنسـبت به مهاجرت، مرا برآن داشت، کتاب‌هایی را در این مورد نگاه کنم.

باخـودم می‌اندیشـیدم، آیا آن‌هـا که از ایران می‌روند(مخصوصاً آن‌ها که دستشـان به دهنشـان می‌رسـد و می‌توانند به مقصد خود برسـند و وارد دانشـگاه شـوند)، روی فرش قرمز فرود می‌آیند؟ همه چیز برایشان مهیاسـت؟آنان که یک عمر با آداب و رسوم ایرانی بزرگ شده‌اند در برخورد با فرهنگی که از آن خودشان نیست و با آن ناآشنا هستند، چه می‌کنند؟ فرهنگ خودرا از یاد می‌برند؟ یـا در اطراف خـود التقاطـی از دو فرهنگ می‌سازند و در می‌مانند، چه کنند؟... . ده‌ها سؤال دیگر برایم مطرح بود.

در این میان دو کتاب به دسـتم رسـید که نخستین آن کتابی است با نام«تجربه‌ای ایرانـی- امریکایی» نوشـته دکتر سـعید قهرمانی. همین تابسـتان امسـال از سوی انتشـارات هرمس منتشرشـد. دکتر سعید قهرمانـی که دکتـرای ریاضیـات دارد، در تحقیقـات ادبی وهنری و نویسـندگی نیز دستی توانا دارد. بعد از آنکه از دانشگاه شریف فارغ‌التحصیل شـد به امریکا رفت و تا پایان درجه دکترای ریاضی در دانشگاه‌های بزرگ امریکا پیش رفت. بیش از سـی سال است که در دانشگاه‌های امریکا درس می‌دهد. او علاوه بر تدریس ریاضی در دانشـگاه‌علم و هنرنیو انگلند غربی، رئیس دپارتمان ریاضی این دانشـگاه است. در سال ۱۳۷۳ که برای سخنرانی در کنفرانس بین‌المللی ریاضی به ایران آمده بود با او آشـنا شـدم. در همان دانشـگاه شریف سخنرانی کرد. با دقت نظر خاص خود، چنان که گویی مو را از ماسـت بیرون می‌کشـد، دیوان حافظ را جسته بود و بیت به بیت و غزل به غزل، تعابیر ریاضی حافظ راچیده بود که درباره هرکدام با شرح کامل سـخن گفت. هنوز هم که هنوز است کسی درباره تفکرات علمی و ریاضی حافظ آنقدر دقیق سخن نگفته است و هنوز هم که هنوز است، محققان داخل ایران، ریاضیدان بودن حافظ را جدی نگرفته‌اند.

این نویسـنده ریاضیدان ایرانی، ازسـی واندسال قبل به این سوی، زندگی مهاجران ایرانـی را(مخصوصـاً آن‌هایـی را که متهم هسـتند، مغـز خـود را برداشـته‌اند وفرار کرده‌انـد) ازنزدیـک زیر ذره بین گذاشـته اسـت، سـختی‌های زندگـی آن هـارا در برخورد با مسـائل گوناگـون، مخصوصا در برخورد اولیه با فرهنگ امریکایی دیده است وبـا دقت تمـام، در کلام خود در سـلک و قالب داستان‌های خواندنی بیان کرده است. وقتی کتاب را می‌خوانی، همه مسـائل را با همه ریزه کاری‌ها کـه در زندگی قهرمانان ایـن داسـتان‌ها هسـت و واقعیت ملموس اسـت، زیرانگشتان ذهن خود لمس و حس می‌کنی.

دکترقهرمانی نشان داده است، همه آن‌ها که به امریکا می‌روند، سـرازباغ آرزوها وآمال شـگفت در نمی‌آورند. کسـانی هم هستند که تحمل تضادها را نمی‌کنند وکارشـان به تیمارستان و آسایشـگاه روانی می‌کشد که عاقبت به وطن برمی‌گردند و درگوشـه‌ای از وطن خود دست به انتحار می‌زنند.

در عیـن حال دکتر قهرمانی نشـان داده اسـت کـه در جهان لگام گسـیخته هوی و هوس‌های دنیای پرفریب و در باتلاق حوادث تلـخ و پر آشـوب، ایرانی جماعـت، چگونه هوای همدیگر را دارند و در دیار غربت، برای همدیگر از جان خود نیز می‌گذرند.

کتـاب دکتـر سـعید قهرمانـی، حاصل سـی و اندی سال مشاهدات و خاطرات او در ایالت‌های مختلف امریکاست.

از برجسـتگی‌های بیان و زبان شـیرین دکتـر قهرمانـی در این کتاب، تسـلط او به ادبیات سـنتی و کهن ایران زمین اسـت که جای جای سخن خود را با شواهدی از اشعار و نکات دقیق شعرا و نویسندگان ایرانی پیوند می‌زند و خواننده را بیش از پیش پای سخن خود می‌نشـاند. تا جایی که در برخی موارد، از خـودت می‌پرسـی، داری یـک مجموعه داسـتان می‌خوانی یا خاطرات یـک ایرانی مقیم امریکارا یا یک جنگ ادبی را.

درهمین کتـاب، دکتر قهرمانـی این را هم نشان داده اسـت که در همین امریکای دراندشت، چه انسان‌هایی هم پیدا می‌شوندکه محاسـبات آدمی را در مـورد امریکا و آنچه دارد در هم می‌ریزد چون؛ انسـان خوب در هرجایی هست.

درکالیفرنیـا، تعطیـلات نوروزی ایرانیان، مستقیماً دربرنامه‌هـای اداری و تجـاری ایالت اثـر می‌گذارد. زیـرا، عده کثیـری از ایرانیـان سـرکار نمی‌روند و نبودن آن‌ها در سرکار، موجب به هم خوردگی برنامه‌های هـر روزه می‌شـود. از ایـن روی است کـه در این ایالت، نوروز تعطیل رسمی اعلام می‌شود

سرهنگ، در خانه روستایی خود

فتوگراف

آدم جالبی اسـت. نحـوه زندگی‌اش جان می‌دهـد برای گـزارش از شـخص. خواهش می‌کند اسـمش را ننویسـم. از آنهایی است که دوست دارید ساعت‌ها کنارش بنشینید و صحبت‌هایش را بشنوید. سرهنگ بازنشسته ارتش، هنوز خود را سرباز می‌داند. چهار سالی است که سهم اش را از شهر جدا کرده و به این روسـتا؛ کریکلا پناه آورده است. روستایی در حوالی زیراب. چهار سال از دوران افسری‌اش را بی‌وقفه در جبهه‌های جنگ گذرانده است. وقتـی جنگ تمام می‌شـود، افسـر توپخانه نیروی زمینی ارتش به خانه بازمی گردد. عهد کرده بود تا جنگ تمام نشود، ازدواج نکند. او معتقد است: «من برای زندگی می‌جنگیدم و اگـر ازدواج می‌کـردم و در راه میهنم جانم را نثار می‌کردم، به زندگی همسـرم آسیب زده بـودم.» او بعد از جنـگ ازدواج می‌کند. حالا دو فرزند دارد.

سـرهنگ، خسـته از ترافیک و شلوغی و روابط انسـانی تحت تأثیر مادیات مرسوم در تهـران، باغچه‌ای در روسـتا تهیـه کرده که خانه‌ای کوچک و دلچسب دارد با پنجره‌هایی روبه باغچه و حیاط و بیشتر اوقات زندگی خود را در آن می‌گذراند. سـرهنگ را اهالی روستا و شـهر می‌شناسـند. در هر مغازه‌ای می‌رود، از او می‌پرسـند شما همان سرهنگی هستید که باغچه آقای موسـوی را خریده؟ می‌گوید: «حیرت می‌کنم از آشنایی و صمیمیتی که در مردم این شهر کوچک وجود دارد. این روابط را دوسـت دارم و تفاوت زیـادی بین اینجا و تهران می‌بینم.»

سـرهنگ در خانه روسـتایی خود مبل شیک دارد، قالیچـه دارد و تلویزیـون. برایـش آنتـن دیجیتال خریده و گاه پای آن می‌نشیند. می‌گوید: «بنا ندارم مثل انسـان‌های بـدوی زندگی کنم. زندگی پیشرفت کرده و من پیشرفت و تکنولوژی روز را دوسـت دارم. اینجا را برای کسب آرامش و حفـظ روحیات خاص خودم برگزیده‌ام و در عین حال وسـایل راحتی را نیز با خود آورده‌ام چون فکر می‌کنم همیشه میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط بهترین روش زندگی است.» انگشتان سرهنگ گاه که به خود باز می‌گردد، نقاشی‌های زیبا و تذهیب‌های حرفه‌ای می‌کشد، گاه سنتور می‌نـوازد و گاه در باغچه کوچکـش گیاهان را. وقتی هم که این کارهـا را نکند، پیاده روی در جاده‌هـای جنگلی و گردش در شـهر کوچک زیرآب و سـوادکوه را ترجیـح می‌دهد. دیوارها و تاقچه‌هـای کلبه روسـتایی او با نقاشـی‌های خودش و وسـایلی زینت شده که یادآور زندگی روستایی باشد. در دو روزی که میهمان سرهنگ بودم، اجـازه داد از زندگی‌اش همین مختصر را بنویسم و چند عکس بگیرم.

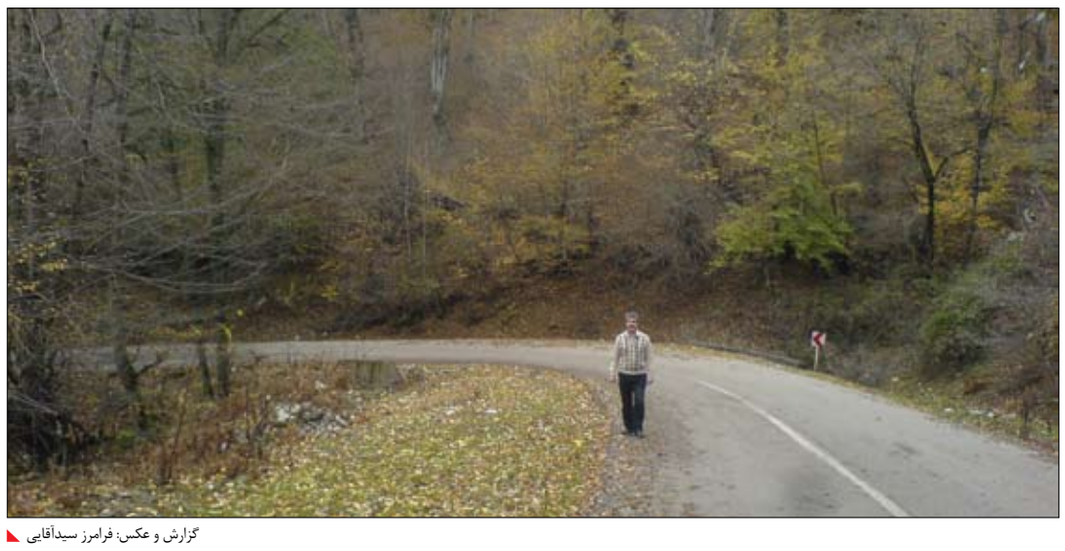

گزارش و عکس: فرامرز سیدآقایی

یک جـــدول با دو شـــرح

۵۸۱۷

جـدول روزنامـه ایران دارای دو «شـرح عـادی و ویـژه» اسـت. در صـورت تمایـل به حل دو شـرح ابتدا یکـی از شـرح‌ها را با مـداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

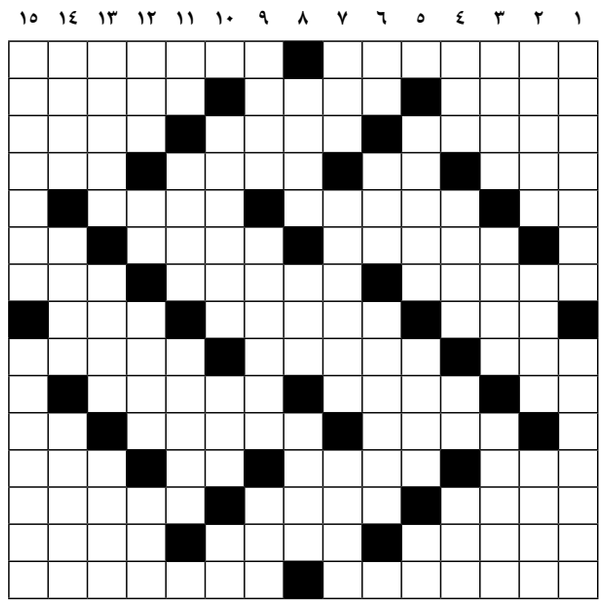

جدول عادی

افقی:

۱- یکـی از بزرگ‌تریـن و برجسـته‌ترین حماسه‌های جهان که سـرایش آن ۳۰ سال به‌طول انجامید- پرقدرت
۲- زین و برگ اسب- یار کلیله!- آفرین
۳- دلشـوره- نوشـتن با ماشین تحریر- شرکت سـوئدی سازنده تریلی و کامیون
۴- حمـام تکی- ردیف- کشـته شده در راه خدا- آینده
۵- گذشتن- بندر سوئد- انبازی
۶- زیاده روی- راکب- بند دست
۷- معاینـه پزشـکی- گناهـان- ثروتمند
۸- مقابـل مزمـن- مـاده قندی اغلب میوه‌ها- خونبها
۹- درخت بی بار- چاره، مدیریت- لذیذ
۱۰- زیسـت و حیات- پشتیبان- علم آموختن
۱۱- الهه جنگ- نادانی- صدای پنچری
۱۲- بوی بد- با پالایش این گاز اتیلن به‌دست می‌آید- ام‌الخبائث- جرقه آتش
۱۳- فانی- مردن- دیده شده
۱۴- همخانه- تباهی یاتبهکاری- عرصه بوکس
۱۵- فیلمـی به کارگردانی مهدی صباغ‌زاده کـه برنده جایزه بیرق طلایی بخش بین‌الملل سـی‌امین جشـنواره فیلم فجر شد- یکی از روسـتاهای استان اردبیل که در بخش مرکزی شهرسـتان گرمی در مـرز ایران و جمهوری آذربایجان واقع شده است

عمودی:

۱- یکی از مهمترین سبک‌های کاراته- وزیر خردمند ساسانی
۲- راهنمایی- پیغمبر زمان اردشیر بابکان- نام پسرانه
۳- بعضی‌ها آب در آن می‌کوبند- سبکی در کشتی- آموزشگاه
۴- پاک، پاکیزه- سودمند- پوشش پرنده- حاجت
۵- فتنه انگیزی- کرم کدو- سودای ناله
۶- مقابل جزر- زدودن- ذوب شده
۷- قصد- حق خود را خواستن- انس گرفتن
۸- نشدنی- آبراه کوچک- صنعتی در شعر
۹- آماده کردن- رئیس- قصر
۱۰- استقبال- اهلی، مطیع- بیماری
۱۱- از حـروف انگلیسـی- نمایـش غم‌انگیـز- از عناصر شیمیایی فلزی کمیاب
۱۲- امر از نرفتن- ناشـنوا- رفیق شفیق- بزرگترین گناه
۱۳- شـهری در اسـتان مرکـزی- نان یـا غذایی که مدتی مانـده باشـد- دارای ارزش و مقام شاهانه
۱۴- پیغمبری- خبره- واحد شمارش کشتی
۱۵- بزرگترین نقاش تاریخ- سرماخوردگی روانی

جدول ویژه

افقی:

۱- عنصـر شـیمیایی فلـزی رادیواکتیو- چهارمین فیلم بعد از انقلاب بهمن فرمان‌آرا
۲- بـاز آمـدن- کشـوری در امریـکای جنوبـی- همـه‌کاره روستا بود
۳- فرهنـگ لغـت فرانسـه- مقاصد- دیوانگی
۴- شیربیشـه- حرف پوسـت کنده- ابـزار جنگی- هواپیمای روس
۵- پرسـتیدنی جاهـل- ناگوار بودن- لباس بی‌آستر
۶- مرحبا- یکـی از القاب امام نهم شیعیان- ناشنوا
۷- نادر- وقت و زمان- آینده
۸- درنـگ کوتـاه- سـردرد عروقی- تیره و تار
۹- موش رایانه‌ای- موذی‌ترین بیماری قرن- نام ریلکه شـاعر آلمانی
۱۰- جنبش خفیف- فروغ و روشنایی- بیماری تورم ورید در ساق پا
۱۱- ایوان بالا- باغبان تاک- دویار هم‌قد
۱۲- زود می‌شکند- چشم- پژمرده- جامه گوسفند
۱۳- رود آلمان- تاریخ‌نگار- یار و یاور
۱۴- ضدخیانت- بازیچه کودک- اندوه
۱۵- پایتخت کشور آفریقایی گابن- باقی مانده کاخ ساسانیان در تیسفون

عمودی:

۱- طبل بزرگ- بزرگترین شهر استان کبک در کانادا
۲- حکمرانی و سروری- شغل‌ها- سنگ‌انداز
۳- چاقوی آشپزخانه- بی‌یار و یاور- GPS
۴- چغندر پخته- چند وارث- دویدن- لوس
۵- وسـیله آرایش خانم‌ها- روز بیسـت و پنجم از هر ماه شمسـی- ضمیر دوم شخص مفرد
۶- پنبه پاک نکرده- پسوند جست‌وجو- راست
۷- سلاح کاشتنی- نوشیدنی سنتی کوبا- جنگ تن به تن
۸- سیاهه- ببین!- رونده
۹- فرض- باعث حزن و اندوه- ضایع
۱۰- چین ملی- ابر حامل باران- تکیه کلام شگفت زده
۱۱-ویتامین‌گوجه‌فرنگی- جمـع حاکـم- آیین‌های سنتی
۱۲- قـدر و مرتبـه- دشمن سـخت- موجود - ماهی
۱۳- آنچـه در شـب بدرخشد- نشانی اداره و خانه- تکانه
۱۴- سـرباز نیـروی دریایی- ظرف آب‌جوش- سروده‌ها
۱۵-هیدروگرافی-درخت جنگل‌های مازندران

حل جدول عادی شماره ۵۸۱۶

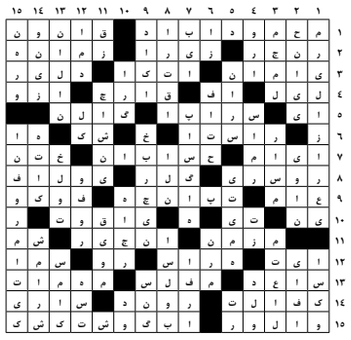
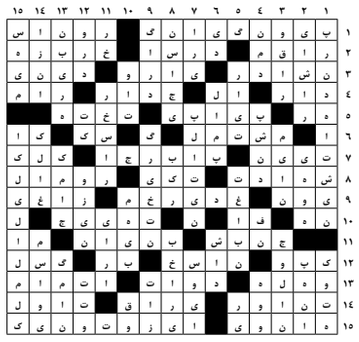
حل جدول ویژه شماره ۵۸۱۶